



اعدام ناجوانمردانه

بیش از ۲۰ نفر از فرزندان قهرمان

و بیگناه خلق

بدست مرتجعین خونخوار حاکم

★ خلاق ابراهیم

سال دوم - سهشنبه دوم تیرماه ۱۳۶۰ - تکراره ۱۰ ریال

## ● در صفحات دیگر

- پاسداران بر سر دوراهی
- یکسال پس از افشای نوآوری
- دو یادآوری و یک تشکر
- تنها جم و حشیانه‌ی چماق داران بد
- مراسم بزرگداشت شهید شریعتی
- خیمه شب بازی امجدیه

## راهپیمائی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم قهرمان تهران

# در اعتراض به کودتای ضد مردمی مرتجعین بوسیله مزدوران مسلح ارتجاع حاکم به خاک و خون کشیده شد و یکبار دیگر جنایات ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور تکرار گردید

★ پاسداران ارتجاع با مسلسل مستقیماً راهپیمایان را هدف قرار می دادند و مغز و قلب آنان را متلاشی می کردند .

\*\*\*

★ در خیمان ارتجاع، اجساد ده‌ها شهید را سوز می ریختند و بدجای این کذب بزرگی قانونی منتقل کنند مستقیماً به بهشت زهرا بردند و مخفیانه بدبجای می سپردند .

بعد از ظهر جمعیتی بیش از ۳۰ هزار نفر در حالی که سببشای قهرمان مجاهدین خلق هستند اصلی آن را تشکیل می داد آغاز شد. جمعیت تمامی عرض خیابان مصدق حدفاصل انقلاب و طالقانی را پر کرده و در عرض چند دقیقه، منسک و منظم و با شعار "مرگ بر استبداد" به سمت خیابان طالقانی حرکت کردند. جمعیت مسیر خود را در خیابان طالقانی به سمت شرق ادامه می داد و هر لحظه بر تعداد آن افزوده می شد.

جمعیت در حوالی خیابان مبارزان به طول یک کیلومتر رسیده بود در حالی که حتی پیاده‌روها نیز مملو از جمعیت بود، راهپیمایان از نقاط بهار، به سمت خیابان مصدق حرکت کردند. صحنه‌ی خیابان بهار یادآور روزهای اوج نظاره‌ها مردمی ضد شاه بود.

بقیه در صفحه ۲

عالی‌ترین فداکاری‌ها دست خواهد زد. راهپیمائی بزرگ مردم تهران در اعتراض به حذف رئیس جمهور و اختناق و استبداد حاکم بر جامعه بین ساعت ۳/۵ تا ۴ بعد از ظهر از ۷ نقطه‌ی شهر تهران آغاز شد در مدتی کمتر از یک ساعت به بیش از ۵۰۰ هزار نفر رسید و چهره‌ی شهر را بد یکباره دگرگون کرد.

### ● بعضی از مراکز تجمع و راهپیمائی

بعضی از مراکز راهپیمائی عبارت بودند از: پل سیدخندان، میریه، نواح کارگرو بلوار کشاورز، نظام آباد، سمیه، نواح مصدق- طالقانی و میدان ولی عصر کانون اصلی و پرجمعیت راهپیمایان در چهارراه مصدق- انقلاب بود. رأس ساعت ۴

شنبه ۳۰ خرداد، تهران شاهد خروش خشم خلق قهرمانی بود که مصمم و استوار صدای اعتراض خود را بر علیه ارتجاع، اختناق و کشتار، فریاد کمرده بود. مرتجعین ددمنش، در روز شنبه ۳۰ خرداد وقتی که با انفجار خشم مقدس خلق روبرو شدند، ماهیت ضد انسانی و ضد مردمی خویش را به نمایش گذاشته و با بدرگبار بستن مردم بی سلاح و بی پناه، در میدان فردوسی تهران، خاطره ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور را در ذهن نوده‌های مردم نداعی کردند.

تهران بعد از ظهر شنبه در فاصله‌ی کمتر از یک ساعت جمعیتی بیش از نیم میلیون نفر را در خیابان‌های خود به حرکت درآورد و با دادن حداقل ۵۰ شهید و صدها زخمی ثابت کرد که وقتی پای آزادی و استقلال کشور در بین باشد هم‌چون گذشته به

کشتار و تیراندازی گسترده ۳۰ خرداد  
به سوی مردم تهران  
داغ ننگی بر چهره ارتجاع حاکم

تکرار جنایات ۱۵ خرداد  
و ۱۷ شهریور بمنظور ممانعت از  
ابراز عقیده آزاد و مسالمت آمیز

توده‌های خلق  
در راهپیمائی تاریخی  
۳۰ خرداد ۶۰

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز!

مردم قهرمان تهران!

بار دیگر در آخرین قدم‌های سلطه‌ی اختناق مطلق، همزمان با برکناری رئیس جمهور دکتر بنی صدر، دیو خون آشام استبداد افسار گسیخت و راهپیمائی آرام و مسالمت آمیز صدها هزارتن از مردم قهرمان تهران را به خاک و خون کشید و بدین ترتیب عصر روز گذشته ۳۰ خرداد ماه سال جاری بار دیگر فجایع ۱۵ خرداد سال ۴۲ و ۱۷ شهریور سال ۵۷ به طریقی دیگر تکرار شد و مزدوران رسمی و غیر رسمی ارتجاع رودر روی صفوف مردم (که از انتهای خیابان طالقانی و در سراسر خیابان بهار و از تقاطع بهار-انقلاب تا میدان فردوسی یا تراکم فوق العاده امتداد داشت) به زانو نشسته و رگبار گشودند. از تعداد انبوه محرومین و شهید و آمار کل جمعیت هنوز اطلاع دقیقی نداریم و در نخستین فرصت آن‌ها را با تمام جزئیات و فیلم‌ها و عکس‌های مربوطه منتشر خواهیم ساخت.

برخلاف تبلیغات ارتجاعی، این راهپیمائی تاریخی که از ساعت ۴ بعد از ظهر از تقاطع خیابان‌های مصدق-انقلاب به سمت خیابان طالقانی آغاز شده بود کاملاً مسالمت آمیز بود و بقیه در صفحه ۲

### اسامی ۸ تن از شهدای راهپیمائی که تا کنون شناخته شده‌اند

- ★ مجاهد شهید زهرا محمدی
- ★ مجاهد شهید منوچهر طلائی
- ★ مجاهد شهید محمد رضا رمزی سپهری
- ★ مجاهد شهید رضا جمشیدی
- ★ مجاهد شهید عباس سروش
- ★ مجاهد شهید کوروش سیفی
- ★ مجاهد شهید عارف اقبال
- ★ مجاهد شهید عبدالله ابراهیمی



بقیه در صفحه اول

### راهپیمائی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم قهرمان تهران ...

علی‌نمای قهرمان نیز بسایمت با سرعت و قاطعیت راه را باز می‌کرد. در نقاط خیابان بهار - انقلاب جمعیت به طرف میدان فردوسی حرکت کرده و در مسیر خود تعداد بسیاری از مردم را جذب می‌کرد، یکی از یاکوه‌پرس صحنه‌های راه - پیمائی روی تل دروازه دولت، نقاط معدی - انقلاب بود. در حالی که راهپیمان نمائی پل را اشغال کرده بودند، تعدادی نیز در پیاده‌روها از زیر پل و خیابان‌های اطراف آن‌ها را تسبیق می‌کردند و یکصد نفری می‌زدند: رجائی، پیشینی خلق آمده، کجائی. قبل از ورود جمعیت به میدان فردوسی، گروهی از نظاهرکنندگان که در محور انقلاب از سمت غرب به طرف میدان فردوسی در حال حرکت بودند، وارد میدان شدند. جمعیت وارد میدان فردوسی شد، در حالی که اسپهائی آن هنوز در نقاط بهار و طالقائی بود و نمائی عرض خیابان و پیاده‌روها را به سگلی مبراکم بر کرده بود. هنوز ابتدای جمعیت نمئی از میدان را بر نکرده بود که ناگهان رگبار مسلسل و ژ-۳ به روی جمعیت گشوده شد و بلافاصله انفالیت میدان فردوسی پذیرای احساد بسیاری شد، مسلسل‌چی‌ها و ژ-۳ بدستان مزدور سپاه پاسداران بر زمین زانو زده و جمعیت را درو می‌کردند، از

گوسه و کنار میدان باران کلوله می‌بارید جمعیت فریاد کتان و الله اکبر گویان به خیابان‌های اطراف برانگنده شد و فقط اجساد شهیدا و زخمی‌ها عرصه میدان را بر کرده بودند، علاوه بر مسلسل‌چی‌ها، ماسن‌های سپاه نیز در حالی که هر کدام دو پاسدفر برانداز را با خود حمل می‌کردند، از گوسه و کنار به جمعیت بی‌ساده حمله می‌کردند پاسداران مزدور مردم را از سه طرف در محاصره گرفتند، میدان فردوسی، ابراسپهر، و اسپهائی بهار. آن‌ها به مردم حتی اجازه فرار هم نمی‌دادند، و بی‌محابا همد را از زیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ به رگبار مسلسل می‌سپند. به دنبال این قتل عام وحشیانه، خیابان‌های اصلی از جمعیت خالی شد اما مردم بصورت دسته‌های چند هزار نفری در خیابان‌های فرعی به نظاهرات خویش ادامه دادند. صحنه‌ها دقیقاً یادآور روزهای نظیر ۱۷ شهریور بود زخمی‌ها روی دست با موپور به بیمارستان‌ها حمل می‌شدند. خانه‌های اطراف پناهگاه ناظر کهنه‌ها و زخمی‌ها بود، مردم خشمناک و شهید داده، جنازه باران خویش را بر دوش بلند کرده و بانمام وجود فریاد می‌زدند، این سند جنایت ارجاع است، پهنسی، پهنسی

وای به روزی که مسلح سوم، و بی‌محابا و در زیر باران کلوله به سمت پاسداران و سیراندازان حمله می‌کردند. حسم زاید الوصنی مردم را فرا گرفت بود و مسمخ خمیر نمی‌بواست جلودار آنان باشد جنگ و گریز ادامه داشت و تمامی خیابان‌های اطراف محور انقلاب - طالقائی را در بر گرفت هر لحظه بر زخمی‌ها و کسده‌ها افزوده می‌شد، اخبار مربوط به کشتار و حساسیتی مزدوران ارجاع به سرعت تمام سپهر را بر کرده و به دنبال آن نظاهرات برانگنده و موضعی در گوسه و کنار سپهر به راه افشاده بود. سیراندازی‌های برانگنده و موج دستگیری با ساعت‌ها بعد ادامه داشت و این در حالی بود که در اکثر نقاط سپهر مردم با حضور فعال در کوجه و خیابان سفر و ازحار خوش را از این عملکردها ابراز می‌داشتند. حسم و بقری که در زمان گوناگی به بار خواهد نشست و بنیاد مرجعین حاکم را بر خواهد افکند.

### گزارش لحظه به لحظه

\* ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر مصدق - پاسپور: حدود ۱۰۰ نفر در حالی که شعار "مرگ بر پهنسی" می‌گویند به طرف جنوب در حال حرکتند.

### اعداد ناجوانمردانه بیش از ۲۰ نفر از فرزندان قهرمان و بیگناه خلق بدست مرجعین خونخوار حاکم

ارجاع خونخوار حاکم در ادامه کشتارهای وحشیانه‌اش از مردم قهرمان ایران و به خصوص به دنبال کشتار بی‌رحمانه در راهپیمائی ۵۰۰ هزار نفری اجبر پهنزان، دست به یکی از بزرگ‌ترین جنایات ضد بشری خود زد و با اعتراف به اعدام بیش از ۲۰ نفر از فرزندان سچاهد و مبارز خلق،

- \* ساعت ۳/۴۵ حدود ۴۰۰۰ نفر به طرف میدان ولی عصر می‌روند. ۱۰۰ نفر حقایق دار ضد مزاحمت دانسید که توسط جمعیت برانگنده شدند.
- \* ساعت ۳/۴۵ میدان فردوسی: ۱۲۰ نفر از حقایق داران در میدان هستند یک برجم سبز در دست گرفته سعی در سنج سرو دارند. حدود ۵۰۰ نفر از مردم خستگس در اطراف میدان اساده‌اند. یک پاسین حب آمو نیز بر از افراد مسلح کسید در میدان مسفر شده است. کمی بعد یک اکب دیگر به وی ملحق می‌تود.
- \* ساعت ۴ میدان ولی عصر جمعیتی که به طرف میدان در حرکت بود، در حوالی میدان ولی عصر به ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسد. مردم از میدان ولی عصر به طالقائی در حال حرکت‌اند و از آنجا به طرف شرق حرکت خواهند کرد. حدود ۶۰ - ۵۰ نفر حقایق دار
- به جمعیت حمله کردند ولی با عکس‌العمل شدید مردم به زودی سواری شدند.
- \* ساعت ۴/۱۰: ۱۵۰ موپورسوار حقایق دار به طرف نقاط انقلاب - مصدق در حال حرکت‌اند.
- \* ساعت ۴/۱۵: بین عددی از سلسله‌های قهرمان و حقایق داران مزدور درگیری است، ۲ ماسن جنب و یک حب آمو از حقایق داران حمایت می‌کند. سلسله‌ها، حقایق داران را سواری کرده و تعدادی از موپورسکلت‌های مزدوران توسط مردم به آس کسید می‌شود.
- \* ساعت ۴/۲۰ حلو داسگاه: ۲ موپور مسلط به مزدوران حقایق دار به آس کسید می‌شود.
- \* ساعت ۴/۳۰ چهاراد مصدق: یک دسد ۳۰ بقری از بقیده در صفحه اول

### کشتار و تیراندازی گسترده ۳۰ خرداد به سوی مردم تهران داغ ننگی بر چهره ارتجاع حاکم

اگرچه امروز دستکدهای تبلیغاتی شما به رسم طاغوت می‌تواند هر دروغ و فصیحتی را به هم بیاورد، اگرچه امروز بازم با این تبلیغات در تدارک کشتارها، شکنجه‌ها و دیکتاتوری به مراتب وحشیانه‌ترید، اما فردا با حبش خلق و عقوبت خالق چه خواهید کرد؟ و سيعلم الذين ظلموا ای مقلب بتقلبون

اگر خونبهای آزادی و تداوم انقلاب رهانی - بخش صد امیرالیستی و اسلامی ما، بازم شهیدای بیشتر، شکنجه‌گاهها و زندان‌های لبریزتر است، مجاهدین خلق ایران به متاعی، بیشتر از استین انقلابی و مکتبی که طی شانزده سال گذشته بارها آزمایش دادند، با طیب خاطر به منظور جلب رضای خلق و خالق از این سرنوشته شگوهمند استقبال می‌کنند.

یا ایتهالندس المطمند ارجعی الی ربک راصید مرصید فادخلی فی عبادی وادخلی حتی.

مجاهدین خلق ایران ۳۱/ خرداد / ۶۰

اسامی و شرح حال شهید و دستگیرشدگان متعاقباً اعلام خواهد شد.

برخاستند ما از آن طرف مرز" با خود آورده‌ایم!! لکن تردیدی نیست که اگر عاملان و آمران کشتارهای ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور توانسته باشند تبلیغات صد انقلابی دروغین خود را به خلق قهرمان ایران بقبولانند عاملان و آمران کشتار ۳۰ خرداد جاری نیز خواهند توانست!

اما ما می‌گوئیم که اگر تبلیغات شما صحیح و واقعی است و اگر ریکی به کفش خود ندارید هم چنان که هر روز با بزرگ‌نمائی‌های نجومی تصاویر حقایق داران را به "سیمای" خود می‌آورید یک بار نیز مشروح رادپیمائی تاریخی ۳۰ خرداد را که فیلم‌های آن در نزد کلیدی خبرنگاران و فیلمبرداران وجود دارد در تلویزیون نمایش بدهند.

از طرف دیگر وقاحت ارتجاع صبح امروز به حدی رسید که اعلام کردند که به تشییع جنازه شهیدانی که خود گشته‌اند خواهند پرداخت. و این هم یکی از بارزترین تفاوت‌های این کشتار با کشتارهای ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور است. تفاوتی که تنها در دیکتاتوری فریب و استبداد زیر پردهی دین به منصفی ظهور می‌رسد، اینجاست که ما هشدار می‌دهیم، اگر چه امروز شما می‌توانید ما را از تشییع جنازه‌ی شهیدایمان نیز محروم کنید،

هیچ‌گونه قصد درگیری حتی تمامی ضرب و شتم‌ها و باران‌های کلوله و گاز اشک‌آور را تحمل نموده و قصد آن داشت تا با حضور در برابر مجلس اراده و رای اکثریت ملت ایران را اعلام دارد. لکن از آنجا که مدت‌هاست هرگونه راهپیمائی و تظاهر و حضور در برابر مجلس در انحصار مرجعین است، و ارتجاع حاکم خود نیز از اجتماع و راهپیمائی نزدیک به پانصد هزارتن از مردم تهران مبهوت شده و کاخ تبلیغات بی‌پیدایش را در معرض فروریختن می‌دید سرانجام در میدان فردوسی راهی جز تکرار همان مضمون ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور را نیافت. رقیحانه‌تر این که اطلاعاتی سیاسی - نظامی هفته‌ی پیش مجاهدین خلق را که مربوط به یورش وحشیانه به خانه‌ی برادر مجاهد مهدی ابریشمچی و تصمیم مجاهدین به مقاومت در برابر این قبیل یورش‌های صد انقلابی و صد اسلامی و ضد قانونی است را به دروغ دستاویز قرار داده و از این هم بیشتر صبح امروز مدعی می‌شوند که گویا شهیدایمان را نیز خودمان کشته‌ایم!! البته این مطلب که شکنجه‌شدگان را ما خود شکنجه نموده و شهیدایمان را نیز خود کشته‌ایم!! مطلب جدیدی نیست و لابد صدها هزارتن را هم که دیروز به اعتراض علیه عملکردهای ضد خلقی ارتجاع

بقیه از صفحه ۲

## راهپیمائی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم قهرمان تهران ...

مزدوران ارتجاع با چوب، دشته و کابل به طرف چهارراه مصدق در حال حرکت اند. یک دسته ۱۰۰ تائی دختر و پسر از مزدوران اجیر شده توسط بسیج نیز پشت سر آنان در حال حرکت اند.

\* ساعت ۴/۳۰ نقاط مصدق - طالقانی:

بین مردم و ملیشیا از یک طرف و چماق داران و پاسداران مزدور از طرف دیگر درگیری شدیدی شروع شده است. تیراندازی شدید توسط پاسداران مزدور صورت می گیرد. ملیشیا قهرمان به دو دسته ۵۰۰ نفری تقسیم شده و چماق داران را نارو مار کردند. جمعیت بیش از ۴۰۰۰۰ نفر، شور و شوق مردم از کنترل خارج است.

\* ساعت ۴/۳۸ مقابل مجلس: چند واحد کمینده به چماق داران مقابل مجلس مراجعه کرده و آن ها را به سمت طالقانی - مصدق هدایت کرده اند و مزدورانی را نیز به سمت میدان فردوسی و جلو سفارت فرستادند.

\* ساعت ۴/۴۰: جمعیت نظار کننده به حدود ۸۰-۷۰ هزار نفر رسیده است از قره نی تا بهار طول جمعیت بیش از یک کیلومتر و عرض آن ۳۵ متر است.

\* ساعت ۴/۴۵: مصدق تا طالقانی تعداد زیادی لاستیک آتش زده اند. \* ساعت ۴/۴۵: تعدادی از راهپیمایان از ویلا به انقلاب رفته اند. سر آن روی پل کالج و انتهای آن در طالقانی است. مردم با پاسداران درگیر شده اند و تعدادی از آن ها را خلع سلاح کرده اند.

\* ساعت ۴/۴۸: راه - پیمایان در حال دویدن هستند. ابویوس ها نگه می دارند و مردم پیاده شده به راه پیمایان می پیوندند.

\* ساعت ۴/۵۵: جمعیت خشمناک است. تا بحال ۳ بار مزدوران کمینده به مردم حمله کرده اند. مردم ماشین های آنان را به آتش کشیده اند. یک نفر کمیندای نیز خلع سلاح شده است. دو موتور مزدوران کشته نیز به آتش کشیده شده است.

\* ساعت ۵: حدود ۲۰۰ نفر نظامی به طرف میدان امام حسین در حرکتند و علیه حزب شعار می دهند.

\* ساعت ۵/۰۵: حدود ۱۰۰۰۰ نفر از حوالی میدان انقلاب حرکت کرده و به جمعیت اصلی ملحق شده اند.

\* ساعت ۵/۰۵ دقیقه: کشتار وحشیانه میدان فردوسی در میدان فردوسی شدیداً به سوی مردم تیراندازی شده است. عده ی زیادی به خاک و خون غلطیده اند. گاز اشک آور زیادی پرتاب شده.

آمار شهدا تا حدود ۵۰ نفر زخمین زده می شود. تعداد زیادی نیز در اثر اصابت گلوله به پاهایشان مجروح شده اند - چند واحد از منطقه ۱۳ برای کمک به ستاد منطقه ۹ واقع در خیابان فردوسی اعزام شده اند:

- عده ای از جمعیت از قره نی به سمت بالا کرده اند - مهمات و گاز اشک آور مزدوران در میدان فردوسی تمام شده و نقاضای کمک دارند - مردم درهای خانه ها - یشان را به روی تظاهر کنندگان باز کرده اند. ملیشیا یک

آمدن افراد را دستگیر کنند. \* ساعت ۵/۲۰ بزرگمهر - صبا: حدود ۱۵۰۰ نفر جمع شده در حال شعار دادن هستند.

\* ساعت ۵/۲۴ میدان فردوسی: جمعیت دو قسمت شده. فردوسی با حافظ و فردوسی با دروازه دولت جمعیت به ۲۰۰ هزار نفر



"هادی غفاری" از عوامل جنایتکار حکومت کودتا در حالی که در یک دست گلت و در دست دیگر نارنجک داشت، در راه سبک باند مسلح در روز ۳ خرداد شصا به دستگیری و کشتار مردم می پرداخت

نقیم شده و به تظاهرات ادامه می دهند.

\* ساعت ۵/۳۰: راه های منتهی به طالقانی را بستند. \* ساعت ۵/۳۰: جلو سفارت:

یک دسه ۸-۶ هزار نفری در مقابل سفارت شعار می دهند از کوچی غربی سفارت به سوی جمعیت تیراندازی می شود. راه پیمایان به طرف مبارزان جنوبی حرکت کردند. در نقاط سمیه پاسداران مزدور مجدداً به جمعیت حمله کردند.

\* ساعت ۵/۳۰: مصدق بین جمهوری و انقلاب: درگیری شدت گرفته است. مردم حدود ۳-۲ هزار نفر برآورد می شود. عداد چماق داران 'ندک است. ولی دارند مشکل می شوند. مردم درب خانه ها را به روی تظاهرات کنندگان باز کرده اند.

\* ساعت ۵/۴۵: ویلا به سمت کریمخان تظاهرات است.

نقیم شده و به تظاهرات ادامه می دهند.

\* ساعت ۵/۱۵: چهارراه مصدق: یک موتور مزدوران چماق دار به آتش کشیده شده است.

\* ساعت ۵/۱۵: دروازه دولت، فردوسی: جمعیت ۱۰۰۰۰ نفری مشکل شده است مردم هم استقبال می کنند.

هنوز از کمینده خبری نیست. \* ساعت ۵/۲۰: چهارراه مصدق: مردم در چهار گوشه پراکنده اند. ۱۵ نفر مزدور کمینده چی به طرف مردم سیر - اندازی می کنند تاکنون ۱۰ نفر سیر خورده اند.

\* ساعت ۵/۲۰: از طالقانی تا ولی عصر جمعیتی حدود ۱۰۰۰۰ نفر یک مسیر را به صورت رفت و برگشت طی می کنند.

\* ساعت ۵/۲۰: ایرانشهر: مزدوران مسلح خانهای را که به ملیشیا امان داده محاصره کرده اند تا در صورت بیرون

\* ساعت ۵/۴۵: میدان ولی عصر: حدود ۱۰۰۰ ملیشیا به سمت فاطمی در حال حرکت است. حدود ۲۰۰ نفر از چماق داران نیز پشت سر آن ها حرکت می کنند. پشت سر چماق داران یکوانت قهوه ای رنگ که ۱۵ نفر مسلح را حمل می کند و هم چنین ۸ نفر موبرسوار مسلح در حال سیر - اندازی هوایی هستند.

\* ساعت ۵/۴۵: چهارراه مصدق: بین حدود ۵-۶ هزار نفر از مردم و مزدوران سپاه درگیری بیش می آید. پاسداران سیراندازی کرده و حداقل ۳ نفر شهید می شوند. \* ساعت ۶/۱۰: خیابان بهار: عده ای ملیشیا در بالای که شعار "مرگ بر بهشتی" می دهند به سمت مبارزان در حال حرکتند.

\* ساعت ۶/۲۰: نقاط طالقانی - حافظ:

کمینده چی ها به خاطر بناهنده شدن یک خواهر به یک داروخانه به آن حمله کرده و سبشهای داخلی داروخانه را سکنه اند.

\* ساعت ۶/۲۰: فاطمی - مصدق هادی غفاری در یک فیات آبی که ۳ نفر مسلح هم در آن بوده اند دیده شده وی با یک دست فرمان ابوسیل را گرفته و با دست دیگر با اسلحه به مردم تیراندازی می کرد. عداد زیادی هم موبسوار همراه او بوده اند.

\* ساعت ۶/۲۵: عده ای از زخمی ها و دستگیر شده ها را به ستاد منطقه ۶ برده اند. از داخل ستاد صدای تیراندازی شنیده شده است. بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۲ آخر

## دویادآوری و ...

محرمی که وسایل حذف او را فراهم نمودند نشکر نمایند. بدیهی است در این نشکر حضرت آقای هادی غفاری و نجار وکلان سرمایه داران محرمی که در پناه شرع! و قانون! یکساله بکصدوبیت میلیاردنومان رابالا کشیده و آن همه برای حذف کاندیدای مجاهدین زحمت کشیدند، سهم عمده ای به خود اختصاص داد و حق تقدم دارند؛ در خامه آرزومندیم که از این پس هیچ کس که سر سوزنی هم قصد مخالفت و استقلال نظر و ادعای اختیار و مسئولیت دارد، به فکر ریاست جمهوری، نخست وزیری و یا سایر مسئولیت های لشکری و کشوری نیافتد.

والسلام علی من اتبع الهدی

## شهید دزدی مرتجعین باعث رسوائی آنها شد

مرتجعین جنایتکار حاکم پس از این که ده ها نفر از فرزندان قهرمان و مجاهد خلق را در راه پیمائی عظیم مردم تهران در روز شنبه ناجوانمردانه به شهادت رساندند، نه تنها جنازه ی بسیاری از این شهدا را ربودند و مخفیانه به خاک سپردند بلکه وقیحانه در صدد برآمدند که با باقیمانده ی جنازه های شهدا، به اصطلاح مراسم تشییع ترتیب داده و بدین وسیله شهید دزدی نموده و آن ها را به خود نسبت دهند. اما فالانژها و به اصطلاح حزب اللهی ها که از واقعیت امر به خوبی مطلع

بوده از روی تعصب هم که شده حاضر نشدند فرمان شهید دزدی رهبران و الهام دهندگان شان را اجرا کنند. بدین جهت بود که مرتجعین حاکم مجبور شدند مراسم تشییع جنازه را که قبلاً اعلام کرده بودند لغو نمایند. و بدین ترتیب یکبار دیگر کوس رسوائی ارتجاع پوسیده به صدا درآمد. با وجود این با زهم تلاش کردند که به شهید دزدی خود ادامه داده و هر طور که شده مراسم تشییع را برگزار کنند گو این که خلیق قهرمان ایران مدت ها است که نسبت به این شیوه های ضد انقلابی و سراسر کذب مرتجعین آگاه شده است.

**اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۵**

بوصح:

این همان اعلامیه‌ای است که در تاریخ ۲۸ / خرداد / ۶۰ صادر شد و سپاه پاسداران و دستگاه‌های تبلیغاتی ارتجاع حاکم، آن را به عنوان اعلام جنگ مسلحانه با مردم و... معرفی کردند اما دیدیم که وقتی رادیو بلوژیون از زبان سخنگوی سپاه دوسه حمله از این اعلامیه را به صورت ناقص خواند علاوه بر این که شیوهی سانسور آن‌ها بسیار مضحک و مسخره از آب درآمد. در عین حال همان چند کلمه هم به حد کافی رسوا کننده‌ی تبلیغات یوسالی و ارتجاعی حضرات شد. و اکنون من اطلاعیه‌ی سیاسی - نظامی شماره ۲۵ مجاهدین خلق ایران:

## بدنبال یورش و حشیانه ارتجاع به خانه پدری برادر مجاهد مهدی ابریشم چی از این پس

## مجاهدین خلق ایران با کمال قوا در قبال اینگونه تهاجمات مقاومت خواهند نمود

بسم اللہ والواحد القہار

مردم قهرمان ایران

مردم مبارز تبران

مزدوران ارتجاع سه تنه شب ۲۶ / خرداد ماه جاری با حمایت دسته‌های متعدد اوباش مسلح و جفاکاران به خانه پدری برادر مجاهد مهدی ابریشم چی یورش برده و پس از ضرب و شتم ساکنان آن بخشی از اموال و کتب موجود در خانه را به غارت بردند.

هم چنین در همین ایام شاهد دستگیری‌های غیرقانونی اعضای دفتر ریاست جمهوری هستیم که بعضاً حتی خیر و اسامی افراد دستگیر شده نیز اعلام نمی‌شود. گما این که نقشه‌های وسیعی برای دستگیری کلیدی شخصیت‌های ترقی-خواه و ضد انحصارطلب کشور نیز در دست آمادگی است. سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن اعتراض به این قبیل اقدامات ضد انقلابی و خلاف شرع و قانون بدین وسیله از خلق قهرمان ایران کسب اجازه می‌کند تا از این پس به یاری خدا در قبال حفظ جان اعضا، خود به ویژه اعضا، مرکزی سازمان که در حقیقت بخشی از مرکزیت تمامی خلق و انقلاب محسوب می‌شوند قاطع‌ترین مقاومت انقلابی را از هر طریق معمول دارد.

بدیهی است برابر اعلامیه‌ی حاضر از این پس مسئولیت هر آنچه که حین مقاومت انقلابی واقع شود، تنها و تنها بر ذممه مرتجعین انحصارطلب و اوباش جفاکاران آن‌هاست که قصد آن کرده‌اند تا نقشه‌ی به پایان نرسیده‌ی شاه خائن و ساواک منقور او را در قلع و قمع مجاهدین به پایان رسانند.

از این حیث ما برآنیم که نامبردگان هر که باشند و در هر لباسی دقیقاً تایمستی سخت‌ترین کیفر و مجازات انقلابی خواهند بود.

ضمناً سازمان مجاهدین خلق ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد تا در هر موردی هم که کیفر فی المجلس جنایتکاران در حین انجام جرم ضد انقلابی میسر نباشد، به‌زودی و به‌طور مضاعف آمران و عاملان مربوطه را به جزای خود برساند.

وما النصر الا من عند اللہ

۲۸ / خرداد / ۶۰

مجاهدین خلق ایران

حکومت شیوخ تبعیده‌باز جز با تبلیغات و دروغ نامحدود حتی برای یک‌روز هم قابل دوام نیست. بدگمان ما تنها یک دلیل

برای اثبات این مدعا کافست و آن این که حضرات نالی را که اکنون سومین ماه آن را با انبوهی از قتل و جنایت و سرانجام کودکان ارتجاعی - امپریالیستی می‌گذرانیم، "سال قانون"!!! نامیده بودند. آیا همین یک مثال کافی نیست تا "دروغ‌گوی سال" را بشناسیم؟ خوبست به نمونه‌های زیر توجه کنید:

\* ۱۵ / خرداد - نظاره‌هاست حداکثر چندصد هزار نفری در سراسر ایران توسط ارتجاع حاکم ۱۵ میلیونی اعلام می‌شود

\* ۲۵ / خرداد - اجتماع ۳۰ - ۲۰ هزار نفری میدان فردوسی چند میلیونی!! برآورد می‌شود.

\* ۲۶ / خرداد - جمعیت حداکثر ۱۵۰۰ نفری مقابل مجلس چندصد هزار نفری و جمعیت ۳۰۰ - ۲۵۰ نفری مقابل دادگستری را در همین روز از روی خجالت "اسبوه" اجتماع کنندگان" می‌نامند!

\* ۲۹ / خرداد - خوبست به آخرین پرده‌ی نمایش افلاس مرتجعین در هفتگی گذشته نیز اشاره‌ای بکنیم.

جمعیت شرکت کننده در مراسم امجدیه که ارتجاع با تمام قوا برای آن به تبلیغات وسیع نیرو دست زده بود، هنگام قرائت پیام آقای خمینی که مراسم به اصطلاح در اوج خود دین بود بسیار محدود و نادر بود.

که تازه بخشی نیز هنگام سخنرانی فلسفی مزدور از محوطه بیرون رفته‌اند.

لازم به یادآوری است که در آستانه‌ی برگزاری این

خیمه‌شب‌بازی (درامجدیه)، سواک مجاهدین خلق ایران، سواک ننگین فلسفی مزدور را با عکس و سند چاپ و در سهران پخش کردند.

این افشاگری به موقع تاثیر بسزائی در تقلیل جمعیت شرکت کننده و استقبال منفضانه از مراسم فوق داشت

و در یک کلام آنقدر جمعیت کم بود که دیگر حضرات جداً خجالت کشیدند بگویند: "جمعیت ۲ میلیون نفری!! مردم در تهران و..."

البته لازم به یادآوری نیست که حضور فعلی فلسفی که قبل از این نیز شاهدان از این جاسوس انگلیس برای

کودنای ۲۸ مرداد بهره گرفته بود، بی حکمت نیست! بسه

هر حال نکته‌ی جالب توجه در مراسم اخیر این که گردانندگان صدا و سیمای ارتجاع برخلاف گذشته که از بالا و پائین و از چپ و راست جمعیت را یا

بقیه در صفحه‌ی ۷

## خیمه شب بازی امجدیه با بازیگری فلسفی خائن و مزدور، اوج رسوائی ارتجاع حاکم

حما ساهم به کرات در یک حفته‌ای که کودکان ارتجاعی - امپریالیستی در آستانه‌ی احیام بودارها و بارها خبر نظاره‌هاست چند سلبویی جفاکاران را از صدا و سیمای حزب جفاکاران سنده‌اید و شاهد بوده‌اید که چگونه دست‌های ۱۰۰ نفری جفاکاران را ده‌ها هزار نفر و اجسامات

حداکثر چندصد هزار نفری را چند میلیونی برآورد می‌کنند!

واقعت اینست که تمامی موجودیت هیئت حاکمه‌ی ارتجاعی کنونی بر تبلیغات و رعب یوسالی نالی از آن استوار است و لا غیر. و درست به همین دلیل است که مجبور

است به خاطر تبلیغات "شب و روز" دروغ بگوید. چرا که

مجاهدین خلق ایران

## تخریب و ایجاد اختلال در ارتباطات تلفنهای عمومی، توسط ایادی رسمی و غیررسمی ارتجاع

به منظور جلوگیری از ارتباطات مردم را محکوم می‌نمایند

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

ارتجاع ورشکسته و درمانده‌ی حاکم بر ایران که اینک در آستانه‌ی کودتای ارتجاعی ر ضد مردمی و در اوج اعمال سرکوب و اختناق مواجه با اعتراضات وسیع عمومی گردیده است، مرتباً به آنچنان روش‌های بی سابقه‌ی دست می‌زند که پیش از پیش نشانه‌ی احتضار سیاسی و انزوای کامل و وحشت شدید از توده‌های مردم است، روش‌هایی که حتی رژیم شاه خائن و ساواک نیز از دست زدن به آن آبا می‌کردند.

همزمان با تشبیت دستگاه‌های تبلیغاتی مرتجعین به پراکندن دروغ‌های دوزخ‌آلود و پنج‌هزار درصدی به منظور جلوه دادن تاخت و تاز جفاکاران به عنوان راه پیمانی‌های توده‌های میلیونی!!!، این روزها شاهدیم که اوباش جفاکار

و هم چنین ایادی مرتجعین در شرکت مخابرات دست به تخریب تلفن‌های عمومی و ایجاد اختلال عمدی در شبکه‌های ارتباطی آن‌ها زده‌اند. و با این تلاش‌های مذبوحانه می‌خواهند از ابراز واکنش‌های اعتراض عمومی و ایجاد ارتباط و تماس بین مردم ممانعت بعمل آورده و هم چنین با

کنترل شبکه‌های تلفنی و استراق سمع غیرقانونی مکالمات به شناسائی و ایذا و دستگیری مبارزین دست بزنند. این شیوه که برخلاف نص صریح شرع و قانون و اخلاق عمومی است در هفتگی اخیر وسیعاً در بسیاری خیابان‌های تهران و بسیاری از شهرستان‌ها بدویژه صفحات شمالی کشور به کار گرفته شده است.

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این شیوه‌های زشت ضد خلقی از عموم هموطنان عزیز به ویژه کارکنان شریف مخابرات کشور می‌خواهند که اجازه ندهند تا

جفاکاران و عمال ارتجاع شبکه‌های تلفنی کشور را وسیله‌ی پیشبرد مقاصد توطئه‌گرانه‌ی ارتجاعی قرار دهند.

بدیهی است که این دست‌وپا زدن‌های مذبوحانه‌ی ارتجاعی هرگز نخواهد توانست راه ارتباط و مقاومت توده‌های مردم را سد نماید و جز مایه‌ی رسوائی هر چه بیشتر انحصارطلبان و برانگیختن خشم و انزجار وسیع‌تر توده‌ها بر علیه آنان نتیجه‌ای نخواهد داشت.

ولا یحییق المکر السیئی الا باهله

مجاهدین خلق ایران

۳۰ / خرداد / ۶۰

## بازهم سخنی با پاسداران

# پاسداران بر سر دوراهی: "شرف و افتخار" یا "نگ و ذلت"؟

پنج ماه پیش در اواخر دی ماه ۵۹ خطاب به آن دسته از شما پاسداران کمینته‌ها و سپاه که به نظر ما هنوز تمام و کمال به صورت عوامل چشم‌وگوش بسته‌ی ارجاع در نیامده بودید در مقاله‌ای تحت عنوان "صحبتی خودمانی با پاسداران" نوشتیم که:

"آیا نا به حال فکر کرده‌ای که چرا به تدریج فاصله‌ات با بوده‌های مردم زیادتر می‌شود؟ آیا فکر کرده‌ای چرا با تمام زحماتی که می‌کنی در بسیاری موارد صحنه‌هایی پیش می‌آید که رو در روی مردم می‌ایستی؟... آیا فکر کرده‌ای چرا یک روز تو را برای برهم زدن فلان حصن می‌فرستند، روز دیگر عده‌ای را که از فرط بیکاری و فقر در مقابل فلان اداره جمع شده‌اند به وسیله‌ی تو سرکوب و متفرق می‌کنند؟ و در فرصتی دیگر تو را به عنوان حامی چماق‌داران حزبی در خدمت سرکوبی مخالفین سیاسی به کار می‌گیرند..."

به دنبال این سوالات در همان مقاله در توضیح مسأله نوشتیم که:

"حزب ارجاعی حاکم می‌خواهد از تو به عنوان عامل فشار در مقابل ناراضیانی‌های بوده‌ی مردم استفاده کند. ناراضیانی‌هایی که محصول سیاست‌های غلط و مرجعانه‌ی خود آن‌هاست... و بعد هم از آنجا که "جای تردید نیست با چنین سیاست‌هایی هرگز از عهده‌ی حل مشکلات اجتماعی بر نخواهند آمد، ناراضیانی‌ها اوج خواهد گرفت و آن وقت است که ناگهان منوجه خواهی شد تمام‌نویان و انرژی تو از صبح تا شام صرف رویارویی با مردم و حتی سرکوب آن‌ها می‌شود."

از آن زمان تاکنون مرجعین حاکم بیش از پیش با نادیده گرفتن منافع مردم و میهن و صرفاً در جهت مطامع عمیقاً ارجاعی و واپسگرایانه و ضد مردمی خود بن به خیانت‌های متعدد به مردم و سازش‌های زیادی با جهان - خواران امپریالیست دادند. گروهان‌ها که زمانی با دستاویز قرار دادن آنان، نیروهای انقلابی و نیز رقبای حکومتی را از میدان به در می‌کردند با خفت‌بارترین

شرایط توسط هیئت حاکمه‌ی ایران آزاد می‌شوند. در پس آن همه دعاوی به اصطلاح ضد امپریالیستی قراردادهای چند میلیارد دلاری با امپریالیست‌ها بسته می‌شود و بعد از آن همه شعارهای توخالی سر و کله‌ی نجار اسرائیلی و آمریکائی پیدا می‌شود و تازه در یکی از این معاملات شرعی!! یک کلاه گشاد ۵۶ میلیون دلاری بر سر این حضرات به اصطلاح مکتبی گذاشته می‌شود.

در زمینه‌ی اقتصادی نیز معلوم می‌شود که مملکت در حال ورشکستگی است و نجار محترم!! و لایذ مشرع!! و مسلمان!! که صد البته وابسته به حزب حاکمند در حالی که بوده‌های میلیونی مردم با فقر و بیکاری دست به گریبانند. فقط در یک سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده‌اند. بدین ترتیب در این مدت عملکردهای مرجعین باز هم بر ناراضیانی‌های مردم از جریان انحصارطلب شدت بخشید و البته به همان میزان دوری مردم از این جریان، کوشش‌های دست‌اندرکاران آن نیز برای قبضه تمام و کمال قدرت تشدید شد. چرا که رابطی مستقیم میان بی‌پایگی و انزوای اجتماعی و دیکنانوری وجود دارد. به بیان دیگر این قدرت‌ها و حکومت‌هایی که بوده‌های مردم را به عنوان حامی و پشتیبان خود ندارند هستند که همواره برای حفظ سلطه‌ی خود به شیوه‌ها و روش‌های استبدادی و دیکنانورمآبانه متوسل می‌شوند که معمولاً با فریب شروع شده و در یک تحول کیفی به سرکوب خشن و خونین خلق منجر می‌شود در چنین شرایطی است که ما تصمیم گرفتیم بازهم شما پاسداران را مخاطب قرار داده و سرنوشتی را که هیئت حاکمه کنونی می‌خواهد به کمک امثال شما بر این مردم تحمیل کند خاطرنشان سازیم. چرا که معتقدیم هنوز هم در میان شما افرادی که انگیزه‌های خدائی و مردمی خود را از دست نداده و به صورت مزدوران چشم و گوش بسته‌ی فرماندهان در نیامده‌باشند یافت می‌شوند و هنوز هم کسانی هستند که علی‌رغم تبلیغات مسموم علیه نیروهای انقلابی و به ویژه مجاهدین، دشمنی با ساواکی‌ها

و سرمایه‌داران وابسته و ضد انقلابیون واقعی را فراموش نکرده‌اند از شما می‌پرسیم:

- آیا هیچ فکر کرده‌اید که اگر حکومتی واقعا انقلابی و اسلامی باشد هرگز هیچ برس و واهمه‌ای از سایر نیروها و تفکرات نخواهد داشت و هرگز تمام افراد مسلح خود را برای ممانعت از فروش تشریفی آنان و دستگیری فروشنده و یا کشف مراکز چاپ و تکثیر جزوات و اعلامیه‌ها صرف نخواهد کرد.

- آیا رفتاری که یا خواهران و برادران زندانی در زندان‌ها و به ویژه در اوین می‌شود رفتاری اسلامی است؟ و آیا شرم‌آور نیست در رژیمی که ادعای اسلامیت دارد با خواهران و مادران مسلمان چنان رفتاری می‌شود که مزدوران شاه نیز جرئت انجام آن را نداشتند؟

- آیا شما جز شاهد نیستید که زندان‌ها بجای ضد انقلاب به معنای واقعی کلمه، مجدداً از مجاهدین و مبارزین انباشته شده‌است؟ و آیا این مشابهت محتوایی با عملکردهای رژیم شاه برای شما دردآور نیست؟ به خصوص که در همان حال ساواکی‌ها و وابستگان به طاغوت دسه دسه آزاد می‌شوند و یا چون احمدرضا کریمی و یا جهانگیری به خدمت هم گرفته می‌شوند!

- آیا نمی‌بینید که به جای قرار گرفتن در نهادی که می‌بایست به همه‌ی خلق خدمت می‌کرد به وسیله‌ای در خدمت اهداف یک حزب خاص تبدیل شده‌اید؟

- آیا خود شاهد غارت و چپاول صدها میلیارد اموالی که متعلق به مستضعفین است توسط حکام ضد شرع و باندهای وابسته به آن‌ها نیستید؟

- آیا شکنجه و سرکوب نیروهای انقلابی به نظر شما اسلامی است؟ و آیا بایستی برای جلوگیری از راه‌پیمائی و یا به خاطر فروش نشریات انقلابی افراد را به شلاق بست؟ و اصولاً آیا "حکومت شلاق" همان چیزی بود که انقلابیون و مردم قهرمان ما به خاطر آن مبارزه کردند و جان باختند و آیا شما به خاطر چنین حکومتی وارد سپاه و کمینته شده‌اید؟

- آیا خود شاهد سیل اکاذیب و دروغ‌های تبلیغاتی

نیستید؟ آیا بررسی تعداد جمعیت نظاهر کنندگان حزبی آن گونه که رادیو بلوژیون حزب می‌گوید، میلیونی است؟ - آیا رواج فساد اخلاق و رشد خصایص و کزاینات طاغوسی و انحرافی در جامعه صادق است؟

و به راستی سنئول کم شدن بوجه برخی مردم به اسلام و شعائر اسلامی جز مرجعین حاکم و عملکرد بی‌غایت ارجاعی و قرون وسطائی آنان کس دیگری می‌باشد؟

- آیا اگر هم اکنون اطلاعاتی در مورد جمع پسرمانده‌های رژیم شاه و نیز کرده‌مآبی نیروهای انقلابی و به ویژه مجاهدین به شما و فرماندهان شما برسد در مورد کدامیک با سرعت و قاطعیت بیشتر عمل می‌کنید؟ خوب توجه کن!

انقلابیون هرگز یک شبه ضد انقلابی نمی‌شوند و ضد انقلابیون دیرروز نیز که بعد از پیروزی انقلاب از لانه‌های خود بیرون خزیده‌اند، یک شبه تغییر ماهیت نداده و انقلابی نمی‌شوند. پس چگونه است که صفوف کمینته و سپاه روز به روز از گروه اول یعنی انقلابیون تصفیه می‌شود و بد جای آن دسه‌ی دوم جایگزین می‌شوند؟

این‌هاست علت جدائی مردم از شما، این‌هاست علت انزوای روزافزون بوده‌های مردم از "پاسدار"، پاسداری که قرار بود و می‌توانست در کنار مردم و دوشادوش آنان زندگی نوینی را بنا سازد. پاسداری که قرار بود یار مظلوم و خصم ستمگر باشد، پاسداری که قرار بود یاور خلق‌های جهان و انقلابیون جان برکف و دشمن امپریالیسم باشد اکنون گلوله سلاحتش در بندر عباس مغز صنم قربشی‌ها را منلاشی می‌کند، در شمال سیما صباغ‌ها را به خاک و خون می‌کشد، در قزوین اصغر قدس را در اسارت به شهادت می‌رساند و در کرخ فاطمه کریمی را و در کردستان روسائیان بی‌گناه را و امروز نیز به صورت مزدور ارجاع جنایتکار و درست نظیر مزدوران شاه خائن، راه‌پیمائی آرام ۵۰۰ هزار نفر از مردم بی‌گناه را در نهران به رگبار مسلسل بسته و صدها نفر را به

خاک و خون کشانده و ده‌ها نفر را به شهادت رسانده‌اند. و بعد از این جنایت نیز اجساد شهدا را به سرعت برده و آنان را بدون اطلاع خانواده‌هایشان و حتی بدون جواز دفن پزشکی قانونی به عنوان مجهول‌الهویه دفن کرده‌اند. بدین ترتیب جانی را که شاه جلا در اواخر سلطنت تنگینش در ۱۷ شهریور ۵۷ و قبل از آن در ۱۵ خرداد ۴۲ مرکب شده بود هیئت حاکمه‌ی ضد انقلابی و ضد اسلامی کنونی در ابتدای حکومتش و در حالی که هنوز دو سال ونیم از انقلاب بیشتر نمی‌گذرد مرکب شده است!

**روی دیگر سکه**

آنچه را گفتم تنها یک روی سکه بود و اما روی دیگر آن واقعیت اینست که تاریخ و جامعه هرگز برای مدنی طولانی پشت هیچ بن‌بستی درجا نمی‌زند و هیچ نیروئی نتوانسته است در مقابل امواج خروشان بوده‌های مردم دوام بیاورد. تاریخ ۱۰۰ ساله مبارزات میهنان و به ویژه قیام خلق در ۲۲ بهمن گواهان گویا و زنده‌ای بر این مدعا نیست بنا بر این همان گونه که قتل عام‌ها و کشتارهای مزدوران شاه در ۱۷ شهریور و شب‌های عاشورا... نتوانست مردم بی‌خاسه ما را مرعوب سازد. هیئت حاکمه‌ی ارجاعی و عمیقاً پوسیده‌ی کنونی نیز نخواهد توانست با ایجاد رعب و وحشت پوشالی و با قتل عام مردم و با سوء استفاده از اسلام و مقدسات اسلامی برای مدنی طولانی برگرداند مردم سوار شود و سرانجام اینان نیز مانند اسلاف جنایتکار خود به زباله دانی تاریخ افکند شده خواهند شد. و در این میان بازهم خسران و بشیمانی و انقراض خلق در انتظار کارگزاران و مزدوران خواهد بود.

**پاسداران! کمی فکر کنید**

اگر ما مدنی پیش‌سخت تاثیر بزور و رای زعمای قوم برای بسیاری از مردم و منجمله شما این اتهامات می‌توانست وجود داشته باشد که دعوا و اختلافات مرجعین حاکم با سایر نیروها و به ویژه با مجاهدین بر سر اختلاف نظر و برداشت از اسلام است، اکنون دیگر پرده‌ی اوهام و بوهومات دریده شده تا جایی که خود آیت‌الله خمینی در سخنرانی بقیده در صفحه ۷

یک سال پیش اواخر خردادماه با افشای نوارهای معروف آیت، عضو هیئت موسس عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جماعت‌دار حاکم موسوم به "جمهوری" برده از نوطنه‌ای ارجحای که "آیت" تنها آیت و نشانه و سمبلی از آن بود برداشته شد و مردم ستمدیده‌ی ما که تازه اولین سال آزادی از جنگال یک رژیم خودکامه‌ی کودنایی را بست سر نبوده بودند، بار دیگر سایه‌ی سوم یک کودنای ضد انقلابی را بر آسمان این مین گسترده دیدند. کودنایی که حاکمیت مطلقه‌ی یک جریان واپس‌مانده و ارجحایی را در لباس دین و مکتب، در فردائی نه چندان دور، تحقق و امکان می‌داد این جریان که عمدتاً در حزب حاکم نیلور می‌یافت، در واقع کانون نوطنه و فساد بود که با قبضه کردن اهم‌های سیاسی و نظامی قدرت، دساوردهای انقلاب کبیر خلقان را به نواح می‌برد و مملکت را به روز سیاه می‌نشانید.

در رابطه با افشای این نوطنه، ما در همان زمان در سرمقاله‌ی "مجاهد" شماره ۹۳ نوسیم که "در مدت ۱۶ ماه (از پیروزی قیام) این مردم و این مین از نارسائی‌ها، ناملازمات و حوادث خانکاهی زنج‌برداند که عموماً از عملکردهای آشکار و پنهان همین حزب ناسی می‌شود. و تازه معلوم نیست که در ادامه‌ی این جریان، ملت محروم و خلق ستمدیده‌ی ما چه ناوان و بهای سنگینی باید بپردازد." البته آقای آیت از این نوارها به عنوان "سند افخار!" خود یاد کرد! و هیچ معلوم شد که اگر این‌ها اسناد افخارند پس بدجه دلیل "مجاهدین خلق" را باید به جرم افشای این اسناد به لعن و طعن و توهین کشید و خاندی برادری را که در کشف این نوطنه‌ی "افخارآمیز!" موثر بوده است به نواح برد و خاواده‌اش را اسیر و آواره کرد؟! در سرمقاله‌ی "مجاهد" ۹۴ نوشیم "... به اعتقاد ما (مجاهدین) مسالده‌ی انسانی در نظریات سخن آقای آیت ... بلکه در کل جریانی است که آقای آیت تنها "آیت" و سباده و سمبلی "از آن است. جریانی که نرفته‌ها و نفاق‌اندازی‌های اجتماعی در درون جبهه‌ی خلق را "افخار" کرده و در این مسیر، استفاده از هر وسیله‌ای را مباح و بلکه واجب می‌داند. تمامی شماره‌های روزنامه‌ی جمهوری و دروغ‌پردازی‌های نجومی آن گواه این حقیقت است.

جریانی که امثال مجاهدین را دشمن اصلی گرفته و با حضور ریشه‌دار در هر کجا، از سیاه و کمینها و دادگاه‌ها و رادیو-تلویزیون، هیچ فرصی را فروگذار نمی‌کند... مهم افزایش آن "افخارات": نازیخی است!

این نوطنه از سرکوب نیروهای آگاه و انقلابی در قالب معطل دستگاو به اصطلاح "انقلاب فرهنگی" آغاز می‌شد و در ادامه‌ی خود به حذف رئیس جمهوری منجر می‌گردید که اگرچه به گفندی آیت فقط می‌شود مدال بدهد و مدال بگیرد و سترا را به حضور بیدرد" ولی بدوگری ارجحای خودکامه و انحصارطلب می‌دهد.

آقای آیت در این نوار، با "افخار" تمام از یک "نصمم لاینعیر" (بخوانید نوطنه‌ی سازمان یافته‌ی از پیش) سخن می‌گفت و توصیه می‌فرمود که "به بجه‌ها بگوئید فرص و محکم باشند و برس ندانند باشند. نصمیی گرفته شد لاینعیر! تغییر ناپذیر است! دانشگاه‌ها بعد از ۱۴ خرداد معطل می‌شود و بعد ما برنامه‌ای خواهیم داشت و بابای بنی‌صدر هم نمی‌شود روی این برنامه کار کند..."

### آزمایشی در برابر همه

جسم‌انداز سوم این نوطنه بت هر اسان آگاه و دردمند را بدلرزه می‌افکند و ما با اشرف یداین جسم‌انداز، همدی نیروها و شخصیت‌های آگاه جامعه را نسبت به عوایب سوم نوطنه‌گری‌های کور و همسریک این جریان ارجحایی هشدار دادیم و در سرمقاله‌ی مجاهد ۹۴ فریاد زدیم که "از آنجا که "آیت" و "آیت‌ها" بار هم در مواضع خود همچنان اسوار مانده و خواهند ماند... مسالده‌ی انسانی بر و مهم‌تر آزمایشی است که بدین وسیله از طریق افشاگری‌های اخیر در برابر همدی شخصیت‌ها و نیروها قرار می‌گیرد. آزمایشی بسیار صعب و دشوار که طی آن هرکس و هر نیرو ماهیت واقعی خود را طی آن بروز می‌دهد.

می‌شود سخت گرفت، ایسادی نمود و جریان را تا نهایت همدی‌رگ و ریشه‌هایش پی‌گرفت، و می‌شود هم قضیه را به اصطلاح سمبل کرد و گذشت و نیز می‌شود با مواضعی منزلزل، در پرده‌ای از وحدت-گرائی‌های صوری و سطحی فرورفت و غافل از مبانی پاک سازنده و تصفیه‌کننده‌ی وحدت، به مسامات پاک‌چی‌ها بس درداد. که نه‌ایما نیز اگر مواضع سازگارانه و منزلزل در خامدی ماجرا تقویت شود، باز هم اسخوان در لای زخم این مین همچنان باقی می‌ماند...

روز از بو و روزی از سو... و در این میان باز آنچه برجای می‌ماند، دست‌های شکسته، چشم‌های از حدقه‌درآمده و

## یک سال پس از افشای نوار "آیت"

قلب‌های پاره پاره پارساست که تدای مسامات و زلزل آن‌هائی می‌شود که می‌فهمد ولی نمی‌فهماند و عمل نمی‌کند! البته در آن زمان کمتر کسی عمق این هشدار را دریافت و برای مهار زدن به شر خودکامگی و ارجحای - که کردن می‌کنید و دیر یا زود بر در خاندی هر انسانی که از آزادیکی بهره‌ای داشت می‌خواهید- بناخاست.

اما همه ناهید بودند که پس از آن که مشخص شد این نوطنه را ما اتنا کرده‌ام خود ما اولین هدف همین نوطنه قرار گرفتیم وید قربانگاه حضرائی که حرات کرده‌بودیم با پایداری و مقاومت خودمان از عرش بدروی فرشان فروکشیم، کشیده شدیم.

روز چهارم براماد در اوج هیجان اجماعی ناسی از افشای نوارها که حزب ارجحایی را به زیر سوال همدی مردم کشیده بود، آقای خمینی طی یک سخنرانی، بجای پرداختن به مسالده "آیت" - که حواس و انتظار همه بود - بی هیچ مقدمه‌ای، "مجاهدین" (و یا به قول ارجحای حاکم "ساقین!!") را دراز کرد و آنچه از بهمت و دروغ و افرا سراج داشت بتارشان نمود! در این سخنرانی، "مجاهدین" کسانی معرفی شدند که همکار آمریکا و ساواک بوده‌اند و پس از انقلاب سروکله‌شان در این مملکت پیدا شده و ... آنچه در میان این موج

### شتر مست ارتجاع بر در خاندی رئیس جمهور

و حالا هم یک سال پس از آن ماجرا - یک سالی که با درد ورنج و قبل و آزار و "سایه‌ی شکنجی!" مجاهدین و این خلق همراه بود - سر مست و افسار گسیخته‌ی ارجحای که از خون بسیاری از جوانان برومند این مین گذشته‌است - اکنون بر در خاندی رئیس

بهمت و جوسازی و دروغ به در برده شد و موقتا نجات یافت همان "آیت" بود" و نوطنه‌ی کودنایش!

\* \* \*

شتر مست ارتجاع بر در خاندی رئیس جمهور

و حالا هم یک سال پس از آن ماجرا - یک سالی که با درد ورنج و قبل و آزار و "سایه‌ی شکنجی!" مجاهدین و این خلق همراه بود - سر مست و افسار گسیخته‌ی ارجحای که از خون بسیاری از جوانان برومند این مین گذشته‌است - اکنون بر در خاندی رئیس

کرد! اگر در آن زمان عوامل انگلیس نظیر دکتر مظفر بقائی زمبینه کودتا را آماده کردند، در این زمان نیز "دکتر آیت" - یار غار و هم حزب دبیرین دکتر بقائی - آتش بیار اربابان کودتا گشته است!

اگر در آن زمان "نوده - نفتی" های خائن در مقابل کودنایان کرش کردند، در این زمان نیز همان آنان در مقابل کودنایان "مشرع و ضد امیرالست جدید!" کرش می‌کنند!

اگر در آن زمان باند های سیاه بقائی و چاقوکشان شعبان ناج‌بخش، با پشتیبانی ارتش شاه، خیابان‌ها را عرصه‌ی جولان و قداردگی و بدمسی خود نمودند و فضای جامعه را از رعب و وحشت آلودند و کودنای آمریکائی - انگلیسی شاه خائن را عملگی کردند، در این زمان نیز جماعت‌داران با پشتیبانی کمینه و سپاه‌کده همگی آن‌ها مزدور حزب ارجحایی حاکم، یعنی حزبی که در آن مهره‌های انگلیسی و آمریکائی بلاق کرده‌اند در خیابان‌ها میدان‌داری می‌کنند و با ضرب و جرح و اسارت مردم می‌خواهند رعب و ترس را بر فضای این جامعه حاکم کنند!

اگر در آن زمان روزنامه‌ها را بسند و قلم‌ها را شکستند و نفس‌ها را بریدند و آزادی - خواهان را به زنجیر کشیدند و ... در این زمان نیز همین می‌کنند!

آری همدی خواهد و نشانه‌ها و "آیت‌ها" گواه انجام یک کودنای ارجحایی ضد ملی است.

اما مرجعین، همچون همبسه، "زمان" را فراموش کرده‌اند! فراموش کرده‌اند که امسال سال ۱۳۶۰ است و ۲۸ سال از آن سال شوم ۳۲ می‌گذرد! بیست و هشت سالی که سرشار از مقاومت و پایداری و نجره‌اندوژی خلق و نیروهای آگاه خلقی بوده‌است. امروز مردم آگاه و بی‌اخاسندی ما و در پیشاپیش آنان "مجاهدین خلق"، جان خود را به کف گرفته‌اند و با جنگ و دندان از میراث خوبار اسلام و آزادی این مین شهیدان دفاع خواهند کرد. در میدان پرشور این رزم انقلابی، خود - کامگان انحصارطلب، اگر بیش از این به نواح آزادی خلق ادامه دهند، بی‌شک چاره‌ای جز این ندارند که "اسناد افخار" شان را با خود به گور برند و ننگ‌نامه‌های نفرت - انگیزشان را برای عبرت تاریخ باقی گذارند.

\* \* \*

## تهاجم و حشیانه چماقداران مسلح و جیره خواران حکومت کودتا به مراسم بزرگداشت شهادت دکتر شریعتی

راهپیمائی بیش از  
۵۰۰ هزار نفر ...

مراسمی که در روز جمعه ۲۹ خرداد به مناسبت سالگرد شهادت دکتر علی شریعتی با شرکت جمع کثیری از مردم و چند تن از شخصیت‌های مبارز و یاران شهید در منزل خانوادگی او در بهران برگزار شده بود، مورد هجوم چماق‌داران مسلح قرار گرفت و چندین زخمی و سیرخورده به جای گذاشت. چماق‌داران و "حزب‌اللهی"های جنایتکار تحت حمایت پاسداران کمینده‌ها در نهایت شقاوت و سفاکی، شرکت‌کنندگان بی‌دفاع مراسم را آماج گلوله و دشنه و چاقو قرار داده و حتی به پیرزنان و بزمردان هم

رحم نکردند. در اولین یورش مسلحانه حداقل ۲ نفر سیرخورده و ۸ مجروح که با جاقو زخمی شده بودند، روانه بیمارستان شدند. می‌توانیم سپس از چهارگرف منزل شهید شریعتی را محاصره کرده و شروع به پرتاب گاز اسک‌آور به داخل اتاق‌ها نمودند که در اثر آن چند نفر از جمله اسناد محمد نفی شریعتی پدر ۸۵ ساله‌ی دکتر شریعتی به کلی از حال رفت. مزدوران حزب کودتاگر حاکم، زدالت را با بداجا رساندند که قصد دستگیری برخی از شرکت‌کنندگان (و به خصوص آقای

دکتر ملکی از یاران نزدیک شهید دکتر شریعتی) را نمودند که با مقاومت سرخسایه‌ی جمعیت مواحد گردیدند. چماق‌داران به اصطلاح حزب‌اللهی؛ وضعی عزم راسخ جمعیت را مانع اجرای مقاصد بلند حوسس دیدند، به منظور ايجاد تضاد وحشت و رعب بوسالی، شروع به سکس و خرد کردن سینه‌ها و درب و وسایل اتاق‌ها نمودند و در چند مورد سز سعی کردند منزل شهید را به آتش بکشند که در اثر مقاومت شرکت‌کنندگان در مراسم موفق نگردیدند. این

حمله و هجوم‌های سبانه که خاطره‌ی وحشی‌گری‌های مغول و نابار را بداعی می‌کرد، به دفعات سوالی و با چندین ساعت ادامه داشت، هنوز از خبرها و آمار مربوط به زخمی‌ها و دستگیر شده‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست، آنچه مسلم است مزدوران ارجاع در این تهاجم سفاکانه همچون سگان هار به جان مردم افتادند و هر حمایت و تساوت و زدالتی را که از دستشان بر می‌آمد، نسبت به آنان و خانواده‌ی شهید دکتر شریعتی، روا داشتند. این تهاجمات وحشیانه یکی از مظاهر همان استبداد مطلق و تمام‌عناری است که کودتای ارجاعی - امیرالیسی جاری، آن را بد ارمغان آورده و بد کوبارین صورت سانکر این واقعیت است که ازین پس ارجاع جنایت پیشه هیچ حریمی را نگاه نخواهد داشت و در برخورد با هر فرد یا جمعیتی که درهای سرف و آزادگی داشته و سب بدلت و محیزگوئی ارجاع ندهد تنها به خشونت و سرکوب و قلع و قمع، موصول خواهد شد. اما هشتهات: ارجاع با این سبدها، کور خود را هرچه سریع‌تر خواهد کرد:

\*\*\*

حسابان طالقانی: ساعت ۶/۳۰: در بهران سوری سدفتر شهید شده‌اند. یکی از آن‌ها خواهری است به نام واعظ برادری به نام اکبر نیز در حال اختتام بسمی برد

حسابان طالقانی: ساعت ۷/۱۵: پاسداران با لباس فرم همراه با تجهیزات کامل بر سر چهارراه مسافر شده‌اند.

ساعت ۷/۲۵: جمهوری - صدق: حسابان را بدطرف انقلاب رساندند.

ساعت ۷/۴۰: حدود ۱۰۰ نفر از مزدوران حماق‌دار دهکده‌های اطراف مصدق حد فاصل انقلاب و جمهوری را تخریب کرده‌اند.

ساعت ۷/۵۰: نقاط مصدق - جمهوری: مردم به صورت برانگیزه هستند. جو مسخ است. حدود ۱۰۰ نفر از مزدوران حماق‌دار سعی دارند مردم را متفرق کنند، مردم می‌گویند: ۱۷ سپه‌باز تکرار شده، میلیسنا حساب آن‌ها را می‌رسد

ملی و طبقاتی را محقق می‌سازد طبیعی است که با چنین نسبتات ارجاعی طوط سنده و شمع انقلابی بالاخره راه خود را با کنار زدن هندی جزئیات غیب‌ماندگی و ارجاع که بحق جامعه‌ی امام زمان - جامعه‌ای یوحیدی و عاری از طبقات را مانع شده‌اند. باز خواهد گشود. گو این که سرانجام مرجعین با بنجه افکندن به چهره‌های ملی از افشای ماهیت ضد ملی خود ناگزیر شدند ولی اگر امثال این دلدگاری‌های ارجاعی نیز نبود بسن قراردادها تنگ - آوری همچون موافقت نامد با آمریکا و امثال قراردادهای نابوت ماهیت ضد مردمی و ضد ملی آن‌ها را عیان می‌کرد و مهم‌تر آن که همین آقایان که به بیانه‌های مختلف انواع و اقسام مارک‌های نظیر کفر و

ارزاد و نفاق را از جسدی عوام‌فریبی و ستادی خود درآورده و به هرکس به انحصارطلبی و خودکامگی آنان کردن نیند می‌جسباند در مقابل همدی‌وطن‌فروسی‌های ناسی از بسن قراردادها سازت‌بار با "سیطان بزرگ" سکوت کرد، و به استجاب درخواست‌های امیرالیسی "راضی" شده‌اند.

به هر حال در کنار اعتراض و مقاومت در قبال قراردادها تنگی و اسارت‌بار به اعتقاد ما بافشاری و مقاومت بر روی باقی ماندن نام مصدق و خودداری از تعمیر آن از طرف مردم عالی‌ترس تحلیل از مقام امام زمان حضرت ولی‌عصر (عج) و حتی کردن سوءاستفاده‌ی مرجعین از ارزش‌های اسلام و شمع انقلابی است

در شرایطی که بازار بوهین‌های ردیلاسه به دکتر محمد مصدق پیسوی فقید نهضت ملی ایران، گرم است و افراد خودفروخته‌وخائنی چون فلسفی کتیف، دلال ذربار شاه امکان جولان یافتند است، مرجعین همزمان با پیشرفت کودتای ارجاعی - امیرالیسی تلاش می‌کنند حتی نام و نشانی از رهبران ملی و مبارز ایران باقی نماند. در هفته - های اخیر در وزارت امور خارجه دو نالار را که بدنام دکتر مصدق و دکتر قاطمی نامگذاری شده بود تغییر داده‌اند. اخیراً نیز "شاه" کار دیگری (ویژه عبارت دیگر معاویه‌کار) عرضه کرده و نام خیابان مصدق را به ولی‌عصر تبدیل کرده‌اند گو این که امثال این سو، استفاددهای ارجاعی از ارزش‌های مطهر اسلام و شمع انقلابی کردی بر دامن حضرت ولی‌عصر (عج) نمی‌سازند و بالاخره برای مرجعین چیزی جز خسران به ارمغان نخواهد آورد و گو این که ارجح اعتبار قرآن با سربیزه کردن آن توسط معاویه کاهش نیافت و جز نعمت ابدی برای او و ایاادیش به بار نیآورد لیکن نفس این حرکت مرجعین و سوء استفاده‌ی ارجاعی از نام حضرت ولی‌عصر (عج) به منظور تغییر نام خیابان مصدق عملی در جهت اعتلاء نام و افزودن مقام آن امام نیست. امام زمان که انتظار ظهورش مظهر جوش و حرکت انقلابی است و ظهورش امحاء همدی ستم‌های نژادی و

## سرانجام مرتجعین ناگزیر از افشای ماهیت ضد ملی خود شدند

خیمه شب بازی امجدیه با ...

آن هم در شرایطی که هنوز آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور فابوسی کشور بود، با سکوت خود بر این شعار رضایت می‌داد. آیا حماق‌داری‌ها و پرورسم جز از این طریق حواز عمل می‌کنند؟

به راستی که دیگر دوران عوام‌فریبی‌های میلیونی مرجعین حاکم و مخالف‌های بی‌مانده‌ی ۲۸ مردادی که اکنون ملیچک‌های جدید دار - الخلافه شده‌اند به سرآمده و عصر سکومند و کبیرآگاهی خلق‌ها آغاز شده است.

زایده‌های گوناگون فیلمبرداری می‌کردند تا به هر نحو شده انبوهی جمعیت را القاء کنند، این بار آنقدر به بیسی گرفتار شده بودند که از آن کلک‌ها نیز نمی‌توانستند استفاده کنند و بناچار بیشتر اوقات دوربین را بر قیافه‌ی احمد حبیبی متمرکز می‌کرد و از جمعیت نیز فقط یک قسمت را چندین بار نشان می‌داد

تکدی قابل ذکر دیگر این که احمد خمینی هنگام خواندن پیام آیت‌الله خمینی، در قبال شعار مرگ بر بنی‌صدر

## باز هم سخنی با پاسداران ...

اجیرش صراحا اعلام می‌دارد دعوی ما بر سر اسلام نیست، بلکه بر سر "قدرت" است. و ما اضافه‌ی کنیم دعوا بر سر قدرت انحصاری عصب سدف توسط مرجعین است. در حالی که این قدرت متعلق به مردمی است که از جمهوری اسلامی استقلال و آزادی را طلب می‌کنند و گریه حکوند این سببوح مجاهدین را در حالی که به یوحند و سوپ‌ووحی و امامت ... معقد هستند ظاهرا بدخاطر قبول دیالکتیک، سافق و بدر از کافر قلنداد می‌کنند ولی اکنون با کسانی که از اساس منکر این معتقدات هستند به صرف کرس و اطاعتشان هم - آخور شده‌اند و بر روی مابوک هم نمی‌آوردند؟

جامعه در حال رایش جدیدی است و در این شرایط همدی افشار و سبروهای

احتمالی و سیاسی مورد تجرید و اصحان قرار می‌گیرند و سرانجام ناگزیر از اسخات یکی از دو راه می‌شوند: راه خدا و مضاف مردم یا راه سلطان و مضاف مدخلق. راه اسلام و انقلاب یا راه ارجاع و سازش با امیرالیسی‌ها و این همان سرصل بارخچی‌ای است که برسل مردمی آری سر در اواخر رژیم ساد حاشی به باچار در مقابل آن قرار گرفتند همافران و برسل انقلابی سبروی خوانی یا بیوسس بد صفوف انقلاب به رسالت انسانی - اسلامی خویش وفا کرده و در تاریخ انقلاب ایران حاوادکی یافتند و در همان حال کارد مزدور شاهنشاهی رودرروی مردم و انقلاب اسناد و علاود بر سکو نفرت ابدی به انتقام خلق نیز گرفتار شدند. پس فاعتمرو یا اولی الایعار

بقیه از صفحہ ۴

بقیه از صفحہ ۴

بقیه از صفحہ ۴

بقیه از صفحہ ۴

## دو یادآوری و یک تشکر ضروری

دیدگاه و رویه‌ی انحصارطلبانه به نام رئیس جمهور نیز به طور شریفانی در سطح قضایا و مسائل واقعی قدرت می‌تراشند و هم‌عرض خود ببرند و هم زحمت نظریه‌ی از بوده‌های مردم بیافزایند.

حال آن که مجاهدین از روز اول با اشراف به همه‌ی زوایای پیچیده‌ی قانون و هم‌چنین اشراف بد نظریات و روحیه‌ی حضرت آیت‌الله خمینی که هرگونه مخالفت با خود و برگزیدگان نشان را به مخالفت با خدا و برگزیدگان خدا و ائمه‌ی معصومین و قرآن تعبیر می‌فرمایند و تلقی‌شان از ولایت فقیه چنان که از سال‌ها پیش خود مرقوم فرموده‌اند مشابه با نوعی قیومت بر "صغار و محجورین" است، پیش‌بینی کردند که نه اولین رئیس دولت و نه اولین رئیس جمهور و نه آخرین آن‌ها، چنانچه سرسوزنی نیز مخالفت و ابراز عقیده و رای مستقلی داشته باشند اهم بی‌جهت مظلند و هم دیری نخواهد پایید که چماق حزب‌الله را بر فرق سر یافنه و تا مین جانی نیز نخواهند داشت و چنان که مهندس بازرگان نوشت آخرین مایه‌تعلق شرعی آنان نیز بر آن‌ها حرام گشته و به زودی پاسداران مکتبی را بر بستر و بالین خود نیز حاضر خواهند یافت.

علیهذا جای آن دارد که مجاهدین خلق نیز که از روز اول به دلایلی که گفتیم کاندیدای ریاست جمهورشان حذف شد از کلیه ذوات

بقیه در صفحه ۲

بنابراین شایان یادآوری است که چرا مجاهدین که پیشاپیش چنین روزگاری را به عیان می‌دیدند و به سرانجام عملی چنین قانونی واقف بوده‌اند به خاطر حفظ حرمت اسلام انقلابی از رای دادن به آن خودداری کردند.

۲- دومین یادآوری ضروری مربوط به زمانی است که مجاهدین قبل از این که امکان بیابند کاندیدای خاص خودشان را برای ریاست جمهوری معرفی کنند شخص آیت‌الله خمینی را کاندید نموده و در اعلامیه‌ی مربوطه نیز خاطرنشان نمودند که این کاندیدانوری به خصوصی یکی از تناقضات جدی قانون و دستگاه رهبری کشور را از پیش حل نموده و خلاصه دعواهای بر سر قدرت را از پیش روشن و حل و فصل نموده و تکلیف مردم را نیز مشخص خواهد ساخت. و مردم مسئولیت اجرای قانون اساسی را از مقامی طلب خواهند نمود که فی‌الواقع نیز صاحب اختیار قانون است. البته به دنبال این کاندیدانوری و اعلامیه‌ی مربوطه انبوهی از اتهامات فلاتزی نتار مجاهدین شد. که چرا نفاق ورزیده و شخص آیت‌الله را کاندید کرده‌اند؟ حال آن که امروز روشن می‌شود که منافقین واقعی همان کسانی بوده‌اند که برخلاف تمرکز واقعی و عملی قدرت در دست مقام رهبری اصرار داشتند که یک مقام عملاً زائد (البته در

۱- همزمان با کودنای ارتجاعی برکناری رئیس جمهور که اکثریت قاطع ملت ایران را دچار بهت‌زدگی و انزجار شدید ساخته است، این روزها سوال بسیار مهمی در هر محفل و هر خانواده و هر کوی و برزن به شدت مطرح است. مردم که نمی‌توانند باور کنند که مطابق کدام قاعده و قانون شرعی و عرفی می‌توان رئیس جمهوری را که مستقیماً با آراء سراسری انتخاب شده‌است، به این سهولت برکنار نمود، عموماً می‌پرسند:

مجلسی که (صرفنظر از همه‌ی تقلبات و حقه‌بازی‌های انتخاباتی حزب حاکم) در کل خود حتی رای به رئیس جمهور را هم پشت سر نداشته و تعدادی از نمایندگان آن حتی با شش‌هزار و هشت هزار و ده هزار رای به مجلس آمده‌اند، چگونه می‌توانند رئیس جمهوری را که منتخب سراسری است با یک قیام و قعود کنار بزنند؟ وانگهی اگر میزان رای ملت است چرا رئیس جمهور منقلاً نباید چنین حقی را در انحلال مجلس داشته باشد؟...

طرح این گونه سوالات در وسیع‌ترین ابعاد اجتماعی ممکن و ده‌ها و صدها سوالات نظیر آن نه تنها پرده از تناقضات ذاتی قانون اساسی برمی‌دارد بلکه تائید دیگری است بر نهایت دغ‌لکاری و سوء استفاده و تعابیر انحصارطلبانه مرتجعین از اصول قانون.

## مخالفت خود بار و شهای

### انحصارطلبانه

## و حکومت اختناق و چماق را

### با فریاد

# الله اکبر

## بر فراز پشت بام خانه‌ها ابراز کنید

الله اکبر

مردم قهرمان ایران، در آستانه‌ی پیاده شدن آخرین مرحله‌ی کودتای ارتجاعی - امپریالیستی که حکومت چماق و اختناق اوج بی-سابقه‌ی به خود می‌گیرد، سازمان مجاهدین خلق ایران پیشنهاد می‌کند که در هر موردی که مردم تهران سراسر کشور و به ویژه مردم شریف تهران ضروری و بدصلاح می‌بینند، بار دیگر فریاد پرخروش "الله اکبر" را در مخالفت با روش‌های انحصارطلبانه‌ی ضد مردمی و ضد اسلامی و در حمایت از آزادی‌های اساسی و رئیس جمهور دکتر بنی‌صدر در پشت بام خانه‌ها طنین افکن سازند. این فریاد پرخروش انقلابی منجمله از مناسب‌ترین پاسخ‌های مردمی به انحصارطلبانی است که جز برای دار و دسته‌های چماق‌دار و جبهه‌ی متحد ارتجاعی خود، هرگونه اجتماع و رادیمائی و تظاهر مسالمت‌آمیز را بر دیگران مجاز ندانسته و در برابر نارضایتی‌های وسیع توده‌های مردم اساساً بدگلوله و چماق متوسل می‌شوند.

لکن بدیهی است اراده‌ی شورانگیز مقاومت سراسری خلق همچون گذشته هر سد و مانع طاغوتی و ارتجاعی و امپریالیستی را از پیش پای خود برخواهد داشت. آری، خلق قهرمان ایران پیروز می‌شود.

مجاهدین خلق ایران  
۲۷ خرداد / ۶۵

## خطاب به نمایندگان مجلس

## هشدار مجاهدین خلق نسبت به عواقب عزل رئیس جمهور و مسئولیت‌های نمایندگان

از این رو با یادآوری مجالس و ادوار قانونگذاری که در تاریخ معاصر ایران به استقرار دیکتاتوریهائی از نوع رضاخان قلدر یا پسرش منجر شده است، ما به فرد فرد نمایندگان حاضر و یومیزه آن‌ها که ذره‌ای نیز نسبت به سرنوشت مردم ایران احساس مسئولیت می‌کنند تذکر می‌دهیم که خود را شایسته‌ی لعن و نفرین ابدی ملت ایران و حسابرسی‌های دنیوی و اخروی مربوطه‌نساخته و مرعوب صحنه‌های ساختگی چماق‌داری ایام اخیر در برابر مجلس نشوند. در غیر این صورت بدیهی است که فرد فرد آقایان در برابر تمام عواقب گسترده‌ی سیاسی و اجتماعی عزل رئیس جمهور دکتر بنی‌صدر مسئولیت خطیری برعهده خواهند داشت.

مجاهدین خلق ایران  
۲۸ خرداد / ۵۹

بنام خدا

و  
بنام خلق قهرمان ایران

آقایان محترم،

در شرایطی که در مراسم سخنرانی فلسفی کتیف و خائن مهری سرسپرده‌ی امپریالیسم و ساواک که می‌دانید از معرکه‌گردانان دربار آریامهری و کودتای ضدانقلابی ۲۸ مرداد بود علناً اعدام رئیس جمهور قانونی کشور تقاضا شده و عیناً از وسایل ارتباط جمعی نیز پخش می‌گردند. سازمان مجاهدین خلق ایران بدین وسیله به تمامی نمایندگانی که در مجلس حضور می‌یابند نسبت به کلیه‌ی عواقب گسترده‌ی عزل رئیس جمهور دکتر بنی‌صدر در فضای هیستریک ارتجاعی حاکم‌زهار می‌دهد.

از علاقه‌مندان تقاضا می‌شود که مکاتباتی با کمیته مجاهدین خلق ایران، پ.ا. به حساب شماره ۱۲۰۰۰ بانک شهر تهران، در پیوسته ارسال فرمایند. کتیب‌های کلمه‌ای ضمیمه شده است. در تهران

مجاهدین خلق ایران  
پ.ا. به حساب شماره ۱۲۰۰۰ بانک شهر تهران